

## سوسیالیزم انقلابی و مبارزه مسلحانه

سوال: در شماره ۴۲ «کارگر سوسیالیست» سرمقاله ای در مورد «توماک آمارو» انتشار یافت که عده ای از رفقا را نگران خط سیاسی «هیئت مسئولان» در قبال «مبارزه مسلحانه» کرده است. برخی از رفقا موضع هیئت مسئولان را مغایر با اصول سوسیالیزم انقلابی قلمداد کرده اند، نظر خود را در این مورد بدهید.

در ابتدا باید ذکر کنم که ایرادهای رفقا (چه کتبی و چه شفاهی) در مورد، سرمقاله شماره ۴۲ مورد استقبال ماست، زیرا که این ایرادها در حاشیه ماجرای «توماک آمارو» زمینه را برای بحث پیرامون «مبارزه مسلحانه» بین طیف سوسیالیست های انقلابی باز کرده است. بازنگری مواضع ما درباره ی «مبارزه مسلحانه» و «تروریسم» از اهمیت بسیاری برخوردار است.

اما سرمقاله «هیئت مسئولین»، برخلاف نظر برخی از رفقا، اصول سوسیالیست های انقلابی را زیرپا نگذاشته است، زیرا که:

اول، باید توجه کرد که این مقاله در چه موقعیتی نوشته شده و حامل چه پیامی است. این مقاله در زمانی نگاشته شده است که کل نظام سرمایه داری بین المللی و شبکه های جاسوسی و ضربتی آن (سیا، موساد، اس. آ. اس و غیره) با همکاری کلیه مطبوعات بورژوازی، به قتل رسیدن ۱۴ جوان را جشن گرفته بودند. اجساد این عده در صفحه اول اکثر مطبوعات غربی (و ژاپن) ظاهر شده بود. تبلیغات گسترده شبکه های جاسوسی امپریالیستی نه تنها متوجه «توپاک آمارو»، که برای تهدید و تحمیق کلیه زحمت کشان و کارگران جهان طراحی شده بود. آن ها با کشتن ۱۴ جوان می خواستند درس عبرتی به کلیه نیروهای انقلابی دهند.

بدیهی است که در چنین موقعیتی ارانه سرمقاله «دو ونیم» ستونی در نشریه در دفاع از «توماک آمارو» نمی تواند ایراد اصولی ای داشته باشد. این مقاله به منظور «تحلیل»، یا دفاع از خط «مبارزه مسلحانه» و یا دفاع از نظریات «توماک آمارو» نوشته نشده بود، که مقاله ای بود «تهییجی» در دفاع از ۱۴ جوان مبارز علیه توطئه بین المللی شبکه های جاسوسی امپریالیستی و دولت «فوجیموری». البته برای خنثی سازی تبلیغات دولت های سرمایه داری «سَر ترکه» در دفاع از این جوانان کمی خم شده بود (و آن هم به خودی خود ایراد اصولی نمی تواند داشته باشد، زیرا در مواردی چنین برخوردهایی ضروری است).

دوم، در همان مقاله ی کوتاه و تهییجی، ما موضع خود را در نارسا بودن شیوه مبارزه مسلحانه تأکید کرده بودیم. برای نمونه در جمله آخر مقاله چنین آمده است: "صرف «مبارزه مسلحانه» پاسخ گوی دراز مدت نیازهای جنبش کارگری نخواهد بود". در هیچ جای مقاله از شیوه مبارزه مسلحانه و یا «خط سیاسی» توماک آمارو دفاع نشده، که تأکید اصلی علیه توطئه های دولت های سرمایه داری بوده است. در این مقاله تنها واقعیت ها در مورد تاریخچه ی توماک آمارو و هدف آن ها از چنین اقدامی ذکر شده بود.

بنابر این، ایراد رفقا مبنی بر کنارگذاری اصول سوسیالیسم انقلابی، به جا نیست.

سؤال: آیا «تروریزم» اصولاً قابل دفاع هست؟

ابتدا باید تعریف خود از «تروریزم» را روشن کنیم. دشمنان طبقاتی ما، همواره از «تروریزم» کمونیست ها شاکی بوده و هستند! بورژوازی همیشه فعالیت پرولتاریا علیه خود را بر چسب «تروریزم» محکوم کرده است. آن ها «اعتصاب»، «تحریم اقتصادی» و حتی «اعتراض» کارگران را «تروریزم» می دانند. اگر شبکه های جاسوسی و پلیسی امپریالیستی ما را به این علت محکوم به تروریزم می کنند، ما با صدای بلند اعلام می کنیم «ما تروریست ایم!» اگر مبارزه جمعی توده های

زحمت کش علیه نظام پلیسی سرمایه داری «تروریسم» است، ما مدافع آن هستیم. واضح است که منظور واقعی کلمه تروریسم این ها نیستند. مفهوم واقعی آن، به قتل رسانیدن یک فرد، به آتش کشیدن کارخانه ای و یا تهدید به کشتن مدیر یک کارخانه و یا یک وزیر و غیره است. این ها روش هایی هستند که سوسیالیست های انقلابی با آنان سخت مخالف اند.

به اعتقاد ما سازمان دهی طبقه کارگر در راستای سرنگونی کل نظام سرمایه داری (گرچه عملی است دراز مدت و پرمشقت) نتیجه مهم تری از ترور یک مدیر کارخانه و یا یک وزیر به بار خواهد آورد. اولی نظام را از بین می برد و دومی عده ای را برای مدت کوتاهی «ارضاء» می کند. اولی یکی از هدف های اساسی کمونیست هاست و دومی روشی است که سنتاً آنارشیزم ها و خرده بورژوازی در درون جنبش کارگری به آن روی آورده و می آورد. ما به مبارزه جمعی علیه کل نظام سرمایه داری اعتقاد داریم. ما خواهان جایگزینی خود به جای توده ها نیستیم. انقلاب تنها از طریق فعالیت جمعی توده های وسیع مردم عملی است. این ها مواضع سوسیالیست های انقلابی بوده و هست و هیچ کس در درون «اتحادیه» این اعتقادهای اساسی کمونیستی را کنار نگذاشته است.

اما، سؤال این است که به اعتقاد رفقا، عمل «توماک آمارو» (صرف نظر از خط سیاسی آن ها) مترادف با یک عمل تروریستی صرف بوده است؟ و یا یک فعالیت تبلیغاتی (مسلح) حساب شده؟ آیا این ۱۴ جوان قصد کشتن کسی را داشتند؟ و یا عده ای را برای مذاکره برای رهاسازی زندانیان سیاسی با هدف تبلیغاتی و افشای دولت پرو به گروگان گرفتند؟

به اعتقاد ما باید وجه تمایزی بین «تروریسم» و یک عمل مسلحانه در راستای یک هدف مشخص، قایل شد (گرچه کار تروریستی نیز می تواند همراه با عمل مسلحانه باشد).

مواضع اوایل قرن بیستم بلشویک ها و لنین علیه تروریسم «نارودنیک ها» (روشن فکراتی که کار «انقلابی» را محدود به ترور شخصیت های دولت تزاری می کردند) را نباید به وضعیت اواخر قرن بیستم به عده ای که هدف و قصد کار تروریستی را ندارند منطبق کرد. تجربه مبارزه مسلحانه در آمریکای لاتین (و چین) نشان داد که این گونه مبارزات با فعالیت های تروریستی اوایل قرن بیستم متفاوت بوده و هستند. مبارزه چریکی، گرچه مورد تأیید ما نیست، اما باید مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال آیا می توان خط سیاسی «چه گوارا» از جنگ چریکی را مترادف با نظر یک نارودنیک و یا یک آنارشویست در روسیه دانست؟ آیا جنگ های چریکی در چین را می توان با عمل ترور فردی مقایسه کرد؟ بدیهی است که پاسخ منفی است. انقلاب کوبا و چین (صرفنظر از تمام ایرادهای اساسی آن) تناسب قوا در سطح جهانی را برای دوره ای به نفع جنبش کارگری تغییر داد. عدم پیروزی نهایی آن عده را نباید در عملیات «چریکی» آنان جستجو کرد. ایرادها در جای دیگری نهفته بودند (عمدتاً در عدم رعایت دمکراسی کارگری).

سوال: پس به نظر شما مبارزه مسلحانه می تواند قابل دفاع باشد؟ و اگر چنین است، ارتباط «مبارزه مسلحانه» با حزب سازی چیست؟ همان طور که ذکر شد، دفاع از مبارزه مسلحانه بستگی به هدف و انگیزه آن دارد. نباید فراموش کرد که سوسیالیست های انقلاب نمی توانند با مبارزه مسلحانه «بطور عمومی» مخالف باشند. مارکسیست ها نه دگماتیک اند و نه خیال پرداز. واقعیت این است که هر رژیم سرمایه داری را در نهایت باید «مسلحانه» سرنگون کرد، زیرا که رژیم های ارتجاعی، «مؤدبانه» و با «خواهش و تمنی» قدرت را به کارگران واگذار نمی کنند. برای تسخیر قدرت سیاسی، میلیشیاهای کارگران و زحمت کشان در مقابل نیروهای مسلح رژیم «رو در رو» قرار خواهند گرفت. تاریخ روش دیگری را تجربه نکرده و به اثبات نرسانده است.

اما، مبارزه مسلحانه صرفاً در دوره تسخیر قدرت نیز طرح نمی‌گردد. مبارزه مسلحانه در واقع بخش مهمی از ساختن حزب انقلابی است. رفیقی که در مقاله‌ای می‌نویسد که مبارزه مسلحانه مانعی است در راه ساختن حزب پیشتاز انقلابی، سخت در اشتباه است (به‌خصوص در وضعیتی که دموکراسی بورژوازی وجود نداشته باشد و اختناق و سرکوب توسط یک رژیم ارتجاعی اعمال شود. مانند کشورهای آمریکای لاتین و ایران). «حزب‌سازی» در زندگی واقعی روزمره کارگران صورت می‌گیرد و نه در کتابخانه‌ها متکی بر «تئوری»‌های انقلاب‌های گذشته. تزاها و تنوری‌هایی که با واقعیت یک جامعه انطباق نداشته باشند، به درد آن جامعه نمی‌خورند. در جوامعی نظیر ایران ساختن حزب انقلابی، خواه ناخواه با مبارزه مسلحانه پیوند می‌خورد.

برای روشن‌تر شدن این بحث مثالی می‌آوریم. فرض کنیم در ایران یک حزب پیشتاز انقلابی وجود داشته و قصد دارد در میان پیشروی کارگری و کارگران کارخانه‌ها تبلیغ کند. بدیهی است که به محض حضور در یک کارخانه با نیروهای مسلح رژیم مواجه شده و نه تنها تبلیغی صورت نمی‌گیرد که مبلغان نیز از بین می‌روند. در نتیجه «دفاع» مسلحانه از خود در راستای تبلیغ و ترویج نظریات انقلابی و در نتیجه ساختن یک حزب انقلابی، در وضعیت اختناق، به انقلابیون تحمیل می‌گردد. بدیهی است یک حزب سراسری، باید شاخه نظامی خود را نیز داشته باشد، وگرنه به سرعت نابود می‌گردد. دفاع مسلحانه از خود نیز به نوعی «مبارزه مسلحانه» است. با این تفاوت که هدف این‌گونه عملیات در راستای ایجاد یک حزب انقلابی است.

در نتیجه «استراتژی» سوسیالیست‌های انقلابی ایجاد «حزب پیشتاز انقلابی» است. حزبی که باید تدارک انقلاب را در راستای سرنگونی دولت سرمایه‌داری و تشکیل نظام شورایی سازمان دهد. اما در این راه تاکتیک‌های مختلفی اتخاذ می‌گردد، که «مبارزه مسلحانه» یکی از این تاکتیک‌هاست. ما با تزهایی که مبارزه مسلحانه را «هم‌استراتژی و هم‌تاکتیک» می‌دانند، مخالفیم.

سوال: به نظر شما آیا «توماک آمارو» در پرو در حال ساختن یک حزب انقلابی اند؟

خیر! توماک آمارو، یک گرایش «خرده بورژوا رادیکال» و شبه آنارشستی است (حتی اگر کلیه ی اعضای آن کارگر باشند). روش آن به طور قطع اشتباه است. اما عملی را که آن ها سازمان دادند، تأثیر بسیاری در پرو و سایر نقاط جهان گذاشت. در آتیه جوانان بسیاری، در غیاب یک حزب پیشتاز انقلابی، به این سازمان جلب خواهند شد. در زمانی که (به هر علت) یک جریان «خرده بورژوا رادیکال» با یک رژیم ارتجاعی (به خصوص رژیمی که توسط دولت های سرمایه داری غربی حمایت می شود) روبرو می شود؛ در وضعیتی که هیچ آلترناتیو انقلابی در آن جامعه وجود نداشته باشد، نقش سوسیالیست های انقلابی (آن هم خارج از گود!) این نیست که توطئه های امپریالیستی را عمده نکرده، روحیه جوانان را نادیده گیرد و همه حمله اصلی را متوجه آن گروه مسلح کنند (استناد بر نظریات ۱۰۰ سال پیش بلشویک ها مسئله ای را تغییر نمی دهد). بدیهی است این ها گرایش های فکری شبه آنارشستی و چریکی داشته و نظریاتشان شاید رفرمیستی نیز باشد، اما در عین حال، در این مقطع، از نزدیک ترین متحدان سوسیالیست های انقلابی اند. ضمن نقد روش اشتباه آن ها، حمله اصلی نخست باید متوجه نیروهای ضربتی و جاسوسی سرمایه داری باشد. سپس در درون جوانان می توان گوش شنوا پیدا کرده و صبورانه برنامه انقلابی و روش صحیحی را در مقابل روش و برنامه انحرافی آن ها ارائه داد (آن هم در عمل و نه تئوری و حرف!). تنها از طریق چنین برخوردی است که می توان با انحراف های آن ها مقابله کرد.

سوال: اما آیا این ها نظریاتی مشابه مواضع سانتریستی بین الملل چهارم نیست که در مقابل امپریالیزم خود را در جبهه جریانات بورژوایی قرار می دهد؟  
خیر چنین نیست!

اول، مواضع بین الملل چهارم (دبیرخانه ی متحده) ایرادهای بسیاری دارد. ما نیز با آن ها موافق نیستیم و به این علت سال هاست که از آن ها بُرش سیاسی و تشکیلاتی کرده ایم. بدیهی است که حمایت نظامی (البته نه سیاسی) این سازمان (و سازمان های مشابه تروتسکیستی) از خمینی یا صدام در جنگ آن ها علیه امپریالیزم آمریکا، نادرست بوده است. هم چنین دفاع سیاسی آن سازمان از ساندنیست ها غیراصولی بود. اما این مواضع را نمی توان با دفاع از یک عمل مسلحانه مقایسه کرد. رژیم های صدام و خمینی، رژیم های ارتجاعی در حکومت هستند که از ابتدا زیر لوای مبارزه با امپریالیزم به سرکوب جنبش کارگری و زحمتکشان پرداخته اند. دست آخر نیز با امپریالیزم توافق خواهند کرد. در نتیجه سوسیالیست های انقلابی هرگز نباید تن به حمایت به یک رژیم سرمایه داری دهند. رژیم ساندنیستی، گرچه ارتجاعی نبود، اما کماکان یک دولت سرمایه داری را احیا کرد. این ها نیز نمی بایستی مورد حمایت قرار گیرند. باید میان جریاتی مبارز (حتی با برنامه رفرمیستی) که هنوز در حکومت قرار نگرفته و یک دولت سرمایه داری استقرار یافته وجه تمایز قایل شد.

دوم، حمله آمریکا و غرب به عراق، مترادف بود با ایجاد یک جبهه سوم. جبهه مبارزان کُرد در شمال و مسلمان شیعه در جنوب عراق. بنابر این شعار ما حمایت از جبهه سوم علیه تهاجم آمریکا و دولت عراق بود. ما از جبهه مردم زحمت کش عراق علیه دولت های سرمایه داری دفاع کردیم. این وضعیت را نمی توان با پرو مقایسه کرد. به هر حال در پرو جبهه سومی وجود ندارد. مردم پرو توسط دولت ارباب شده و تنها واکنش توسط مبارزات مسلحانه عده ای از نیروهای چپ سازمان یافته شده است. چنان چه ما در پرو بدیل «حزب انقلابی» را شکل نداده باشیم، نمی توانیم بدون ارانه هیچ آلترناتیو کنکرت، تنها به مبارزات مسلحانه ایراد بگیریم. نمی توانیم به توده ها بگوییم که: «دولت ارتجاعی است و مبارزات مسلحانه «توماک آمارو» انحرافی است!!!» و «هیچ» آلترناتیو خود ارانه ندهیم (غیر از تأکید بر مواضع اوایل قرن بیستم لنین علیه ناردونیک ها و یا چگونگی ساختن یک حزب متکی بر جزوه

«چه باید کرد»). باید به توده ها بگوئیم که: "ما در دعوا بین دولت سرمایه داری (و امپریالیسم) و مبارزین مسلح، در کنار توده ها قرار داریم و از آن جایی که تنها شکل مبارزه در این مقطع، «مبارزه مسلحانه» است ما از این مبارزه در مقابل رژیم دفاع می کنیم. اما در عین حال به این شیوه انتقاد داریم." ما باید آلترناتیو خود را در عمل به توده ها ارائه دهیم و نه در حرف!

سوم، موضع گیری فوق، ریشه در مارکسیزم دارد و نه در تروتسکیزم بین الملل چهارم. برای نمونه مارکس، گرچه کمون پاریس را زودرس می دانست، ضمن انتقاد به «انقلابیون» پاریس در کنار آن ها قرار گرفت. حتی لنین ضمن شدیدترین انتقادات به نارودنیک ها و تروریست ها همواره در مقابل پلیس تزار موضعش حمایت از آن ها بود (حتی زمانی که آلترناتیو حزب انقلابی مطرح بود).

بنابر این، برخوردهای «کتابی» نمی تواند الزاماً ما را به یک موضع صحیح برساند. در ضمن مواضع انحرافی برخی از نیروهای چپ را نمی توان ملاک موضع گیری قرار داد. سوسیالیست های انقلابی باید متکی بر تجارب نظری و عملی، با تحلیل از وضعیت مشخص و انطباق آن با استراتژی حزب سازی، در قبال مسایل اجتماعی موضع گیرند. این موضع گیری باید ما را در راستای تدارک اهداف خود یاری دهد. این مواضع بایستی پیوند ما را با قشر پیشروی کارگری بیشتر کند. بی توجه ای به مسایل کارگری و برخوردهای دگماتیک و کتابی به آن ها، آن روی سکه «دنباله روی» از توده هاست.

متشکرم

مصاحبه با رفیق م. رازی نخستین بار در کارگر سوسیالیست شماره ۴۵ سپتامبر

۱۹۹۷ انتشار یافت

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری